

## چند خاطره شنیدنی از وزراء و روسای سابق دارایی ایران<sup>(۱)</sup>

به قلم نورالدین استوان مدیر کل پیشین وزارت دارایی

آقای مورگان شوستر آمریکایی که مدتی پیشکار دارایی ایران بود و بر اثر اولتیماتوم روس‌ها ایران را ترک گفت مردی صحیح‌العلم و صریح‌اللهجه بود. از طرف آزادی خواهان وقت یک نفر جوان تحصیل کرده را برای استخدام به او معرفی کردند و شرح مبسوطی هم از صحت عمل و درستی آن جوان بیان کردند. شوستر جواب داد دستور می‌دهم او را آزمایش کنند اگر واجد معلومات برای خدمت بود دستور استخدام او را می‌دهم اما چندان از درستی او شرح ندهید اگر او را پذیرفتم به او بگویید هر چه می‌تواند بدزدد من باید آن چنان مدیری باشم که راه دزدی را ببندم در غیر این صورت به درد کار شما نمی‌خورم و باید خود بخود بروم.

### خاطراتی از تقی زاده

آقای تقی زاده که وزیر راه شد پیشنهاد خیلی موکدی برای اخذ اعتبار برای ساختمان راه‌های مملکت نمود اما هنوز جواب پیشنهادش نرسیده وزیر دارایی شد عین آن پیشنهادها را نزد ایشان فرستادند اما بالصراحه جواب داد تصویب نمی‌شود. به ایشان گفته شد لزوم آنها را خودتان استدلال کرده‌اید جواب دادند آن وقت بنابر مصالح آن وزارت خانه بوده اکنون می‌بینم مخارج ضروری تری در پیش است.

خاطره جالب دیگر این که یک نفر از اهالی گرگان (استرآباد سابق) چند قریه خالصه را اجاره کرده و بر اثر خشک سالی کسر عمل پیدا کرده و دارایی محل گزارش داده بود این مستاجر بر اثر عدم نزولات سماوی دچار نکس در آمد شده و با آن که تمام در آمد محصول او را برداشت کرده ایم معه‌ذا دو ثلث مال الاجاره اش معوق و در اطراف دارایی ضامنش هم که تحقیق کردیم فقط دارای تعدادی بز و میش است که اگر تمام گاو و گوسفند و دام‌های او را هم ضبط و بفروشیم در حدود یک ثلث از مابقی را جبران می‌نماید و برای بقیه مستاجر فقط دو دانگ خانه داشته که در سابق به فرزندش که اکنون در دارالفنون محصل است صلح کرده اگر مستاجر را حبس کنیم شاید ممکن شود پسرش صلح را به پدر برگشت بدهد و آن را هم ضبط کنیم ولی باز در حدود پانزده درصد از مال الاجاره باقی خواهد ماند آن را چه باید بکنیم.

مراتب که به وزیر گزارش شد آقای تقی زاده نوشت اداره کل عایدات خوب تحقیق کنید اگر این مستاجر در امر زراعت تهاون و سستی نکرده و فقط به واسطه خشکسالی کسر عمل پیدا کرده نه گاو و گوسفند ضامن را غارت کرده و نه مستاجر را حبس و خانه پسرش را بگیرد بلکه به ضبط همان عمل کرد تمام محصولش که گرفته‌اند قناعت کرده باقی را به مسؤولیت من به حساب سوخت و لا وصول منظور بیاورید.

### مرحوم داور

صفات برجسته و عالیه مرحوم داور خیلی زیاد و افراد کشور اکثراً دانسته و یا شنیده‌اند فقط از آن چه در خاطر دارم به چند مورد از آن قناعت می‌ورزم: از وظایف خزانه داری کل و بانک ملی آن بود همه روزه صبح هر روز بایستی هر دو دستگاه هر یک جداگانه رقم موجودی خزانه کشور را در دو نسخه تهیه یکی به دفتر مخصوص شاهنشاهی دیگری را مستقیماً نزد وزیر دارایی بفرستند.

یک روز دو ریسال مابین دو صورت اختلاف داشتند و از طرف مرحوم داور باز خواست شده و دستور رسیدگی فوری داده می‌شود و چون تا آخر وقت نتیجه

معلوم نشده مرحوم داور به خزانه رفته و شخصاً مشغول رسیدگی و دنباله آن به درازا کشیده خلاصه دو شب و دو روز وزیر از خزانه بیرون نیامد تا این که اختلاف دو قران پیدا شده آن گاه به وزارت خانه معاودت نمود.

آقای نصر وزیر دارایی زمان سپهد رزم آرا که وقتی کارمند اداره بودجه بود روزی نامبرده به اتفاق آقای دکتر آزموده که او هم رئیس اداره آمار وزارتخانه بود ضمن تمجید از قلب رئوف داور برای این جانب تعریف کردند که وزیر ما را خواسته و گفتند این تحولی را که در کشور دیده ایم (شاید منظور پوشش لباس متحدالشکل بوده) بروید به تمام طبقات مردم مراجعه کرده کیفیت زندگی آن را برای من خلاصه نوشته و بیاورید آقایان گفتند ما ابتدا از پیش خدمت اداره بودجه شروع و از او سؤال کردیم مخارج روزانه و ماهیانه و سالیانه خود را از هر چه که باشد از پوشاک و خوراک و هزینه اتفافی تمام را بگو نامبرده یکی یکی گفت و نوشتیم بعد از نظر احتیاط دقت بیشتری کردیم دیدیم از قلم افتاده دارد لذا او را خواسته گفتیم ما از تو با دقت خواسته ایم چرا همه را نگفته، مثلاً چرا مصرف سوخت و آشپزخانه و چند فقره دیگر را نگفته؟

در جواب گفت آقایان چه فکر می کنید من در یک اطاق کرایه منزل دارم آشپزخانه که ندارم دو دختر بزرگ ۱۶ و ۱۸ ساله دارم با خودم و عیالم چهار نفریم من که اجاق ندارم پول سوخت ندارم حقوق من ماهی چهل و پنج تومان است در هفته یک بار دو سیر گوشت گاو گرفته با کمی لوبیا یا نخود در دیزی ریخته می برم، دکان نانوايي یا تون حمام چهار شاهی می دهم می گذارند پخته می شود. فرزندان من در عمرشان لباس نو، کفش نو به خود ندیده اند. زنم می رود یک دست لباس نیمدار برای هریک می خرد دستی هشت نه قران و دکان پنبه دوزی یک جفت کفش نیم دار می خرد دو قران و بعد آن قدر وصله پینه می شود تا به کلی لباس یا کفش از حیث انتفاع می افتد و در تمام سال یکی دو بار فرزندانم به این نوع پوشش پیدا می نمایند.

آقایان گفتند دیدیم همین یکی کافی است رفتیم نزد وزیر شرح ماوقع را گفتیم و سیاهه را هم تقدیم کردیم، ناگهان دیدیم وزیر عینکش را از چشم برداشته اشکش

جاری گشت.

گفت پس ما خیانت به ملت کرده‌ایم فوراً باید ایجاد کار کرد و طولی نکشید از طرف دولت شرکت مرکزی ایجاد و مردم را به تشکیل شرکت‌ها و ایجاد کارهای صنعتی و غیره وادار و پول برای ساختمان و سازمان‌های ملی و غیره به مردم دادند و خلاصه از طرق مختلف ایجاد کار شده و در مردم جنبش پیدا شد و کار به جایی رسید که وزارت دارایی هرچه برای استخدام عضو اعلان می‌نمود داوطلب پیدا نمی‌شد به وزارتخانه‌ها دستور داده شد استعفای اعضا را قبول نکنید به مقاطعه کاران اخطار شد اعضای ادارات را نباید استخدام کنید (البته آن وقت این قدر هم تحصیل کرده نبود).

مرحوم داور نه تنها کار وزارت دارایی بلکه کار مملکت را می‌نمود. یکی از دستوراتش این بود وقتی که رئیس دفترش کارهای امضایی را نزد وزیر می‌برد باید دسته یادداشتی هم در دست داشته باشد که دستورات وزیر را یادداشت کند یکی از روزها به دستور وزیر شروع به یادداشت دستورهای وزیر می‌نماید وزیر متوجه می‌شود رئیس دفتر با ته قلم می‌نویسد وزیر می‌گوید آن چه نوشته‌اید بخوانید نامبرده متوجه می‌شود چیزی ننوشته وزیر می‌گوید حق با شما است از زیادی کار شماها را خسته کرده‌ام دو ماه مرخصید بروید مخصوصاً استراحت کنید.

دو سال قبل از فوت مرحوم داور روزی آقای رضوی که یکی از نزدیکان داور بود به من گفت عجب مرد بلند همت و وطن دوستی است پرسیدم مطلب چیست گفت به وزیر گفتیم اکثراً وزراء مشغول تنظیم برگ سند خدمت و تکمیل پایه‌هایشان می‌باشند شما هم که تا رتبه هفت بیشتر رتبه نگرفته‌اید اجازه بدهید طبق استحقاق رتبه شما را هم ترتیب بدهیم آن مرحوم عینک را برداشته و به من رو کرد گفت این مرد بزرگ (اشاره به عکس اعلیحضرت فقید) مشغول خدمت است و وطن را ترقی می‌دهد من هم با او کار می‌کنم و تا وقتی که به من سوء ظنی پیدا نکرده ادامه خدمت می‌دهم و به محض این که معاندین یا دیگران فاصله ایجاد کردند چاره جز یک تریاک نیست دکتر شناخت مرد اقتصادی معروف آلمان به ایران آمد و با مرحوم داور تماس گرفت گفته بود من هیچ

وقت خیال نمی‌کردم در خاورمیانه یک نفر رجل دانشمندی با این سرعت انتقال پیدا شود.

صفات عالیّه مرحوم داور خیلی بیش از اینها است لکن خیلی جای تأسف است هر وقت نوابغی مانند امیر کبیر و یا امثال مرحوم داور که صد در صد نظرشان اعتلای کشور باشد ظهور نمایند به هر شکلی که باشد او را از بین می‌برند!

مرحوم داور فقط خانه‌ای داشت که ظاهراً در مقابل قروضش از بین رفت. باغچه‌ای هم در کرج دارد که راه عبور او را دیگری غصب کرده و دیوار باغش را هم از بین برده‌اند قیمت عرصه زمین آن را هم باید وراثش بدهند که خانمش ندارد بدهد!!

### خاطره‌هایی از آقای محمود بدر

از صفات آقای بدر صرفه‌جویی مافوق معمول که حتی بعضی ایشان را خسیس می‌شمرد مثلاً وقتی رئیس یکی از ادارات برای پیش‌خدمتی ماهی دو تومان اضافه حقوق پیشنهاد نمود و دلیل آورده که این مرد خانواده‌اش در بروجرد و خودش در تهران و با ماهی چهل تومان خیلی در رنج و زحمت است اجازه فرمایید از ماه بعد دو تومان در باره‌اش اضافه منظور شود این پیشنهاد را رئیس حسابداری و مدیرکل مربوطه و معاون وزارتخانه جملگی با نظر موافق امضا نموده‌اند آقای بدر می‌بیند چون همه آقایان با موافقت امضا کرده‌اند می‌نویسد موافقت می‌شود اما راه دیگری هم بود و آن این که این پیش‌خدمت خانواده‌اش را بیاورد تهران و یک جا زندگی کنند و ما مجبور به افزایش دو تومان به حقوقش نباشیم.

### مرحوم عبدالحسین هژیر

از نظر امور اداری در دوره‌ی وزارت آن مرحوم مستغلات تهران و سپس مستغلات کشور از نظر وصول مالیات و سهم شهرداری‌ها ممیزی گردید و این کار در سال ۱۴۲۶ شمسی انجام یافت با توجه به این که در سنوات ماقبل تمام در آمد دولت از بابت

مالیات مستغلات پانصد هزار تومان بود با این که هیچ سوابقی از کار ممیزی در دست نبود به قدری این ممیزی معقولانه و عادلانه انجام گرفت که به امضا و موافقت تمام مالکین و مستاجرین هم رسیده بود و چون بی‌نظر انجام شد یک نفر هم از مودیان نه در دوره عمل و نه بعدها شکایت نموده و حال آن که جمع مستغلات در شهر تهران به تنهایی هشت میلیون و سیصد هزار تومان بالغ گردید در شمیران و شهرری و استانها هم هر چه ممیزی شد علاوه گردید.

ضمناً آمار بسیار جالبی از شهر تهران از حیث تعداد خانه و دکان و نوع هر قسم کسب کار و مشاغلی تهیه و در روزنامه اطلاعات نیز چاپ گردید.

با وجودی که از آن سال تاکنون ۱۴ سال می‌گذرد و ساختمان‌های بسیار زیاد علاوه شده گویا جمع آوری مالیات به مبلغ آن روزی هم نمی‌رسد.

یکی از اقدامات تاریخی مرحوم هژیر آن است که تنها در وزارت دارایی او بوده که در ۲۵ مورد کتباً به شرکت نفت سابق به نفع دولت ایران اعتراض کرده و این اعتراض به حدی مستدل بود که حقوقدان‌های بین‌المللی آنها را وارد و به نفع ایران اظهار عقیده نمودند و مرحوم هژیر تنها وزیری بوده که این شهامت را به خرج داده است.

### مرحوم علی حق نویسنده

مرحوم علی حق نویسنده سناتور سابق و قاضی دادگستری اسبق که زمانی در اداره حقوقی وزارت دارایی بود موقعی رئیس دادگاه محاکمات اداری کارمندان دولت بود در یکی از محاکمات درباره‌ی اتهام چهار نفر از مامورین جزء انحصار تریاک که دو تومان یعنی هر نفر پنج قران رشوه گرفته‌اند و در جواب پرسشی که از متهمین شده گفته‌اند فرض کنید ما دو تومان به رسم انعام گرفته باشیم آخر چهار ماه به ما حقوق نرسیده چه جور زندگی کنیم مرحوم علی حق نویسنده گفت با وجود بیچارگی آنها معهداً نظر به حفظ وظیفه و به حکم قانون اشک از چشمم ریخت و هر چهار نفر را منفصل ابد از خدمت دولت کردم اما حالا!!